

جامعه بی قانون با رداستمرار قوانین نافذ وپی آمدان بر شهروندان:

قسمت دوم

نگارش از «سخی صمیم» در استقبال از بخش حقوقی برنامه تلویزیون «افغانستان انتر
نشئل» تحت عنوان «زندانیان وزندان بانان طالبان»

همانطوریکه در آغاز از دید قانون بطور مستند متذکر شد درکشوریکه آزادی وجود ندارد
طبعن شهروندان آن از برخورداری آزادی حقوقی وقانونی خود بهره کامل نخواهند برد
بدین مفهوم «آزادی» باجهات مثبت آن درراه تبیین، تثبیت و تسجیل حقوق اساسی جامعه
ومردم شیوه مناسب و هم پایه اساسی وپل ارتباط بین تمویل کنندگان ومستحقین در همین
فضا خواهد بود

جامعه وشهروندان زمانی از مزایایی قوانین وحقوق کامل خود هابخوبی مستفید و آن
را وبدون کم وكاست می توانند بدست آرندکه آزادی قانونی داشته و دارای اعتماد
واطمینان صادقانه از احقاق حقوق خود ها باشند، جان مطلب اینجاست:
حقوقیکه دیگران بگونه فراقانونی وغیر عادلانه برشهر وندان، تعیین توزیع و منقسم می
سازند متفاوت از آن است که قانون وعادالت ایشان رامستحق آن حق می شمارند وهمان
حق را قابل تأدییه می پندارند واین مأمول زمانی طرف اعتماد است که مستحق از آن (حق
خود) آگاهی داشته ومقدار واندازه آن را بداند ودر صدد احقاق آن برآید وآن راحاصل
نماید.

نباید اشتباه کرد که درهرتوزیع وتأدییه قانون مقدار واندازه تعیین نمی کند مگر امرعدالت
- تأدییه حقوق مساوی عدم حذف حقوق مستحق وبی عدالتی به هر نوعیکه صورت گیرد
می باشد ودراین راستا نه حذف حق ونه اتلاف آن قابل پذیرش است.

گرچه تقدّم حق بر قانون ثابت وامر طبیعی بوده که انسان نمی تواند تازمان تأیید واصل
وتسجیل آن مالک شمرده شود اگرچه آن حق روشن باشد ویامکتوم - ولی بعد
ازظهوروپیدا وتثبیت وتسجیل آن درقانون - انسانها سند وملکیت ثابت و روشن می یابد
ومالک حقوق مستند خود شناخته می شود.

پس لازم است بالای اصل مطلب یعنی چگونگی گرفتاری های شهروندان وسیله افراد
منسوب به قدرت حاکم، مکئی نماییم و بر جواز و عدم جواز آن انگشت گذاریم:
یکباردیگرتأکید می کنم که در راستای کار این قلم فقط تصویرکشور قانونمند قرار داشته
ودرمخیله ماحاکمیت قانون وجود دارد درغیرآن فضای باز جنگل وتاریکی بیشه وغرش
صدای زورشنیده میشود که آن را جنگل بیقانون می خوانند:
بیایید مطابق با تصور قانونیت به پیش رویم:

چگونگی صلاحیت گرفتاری وسلب آزادی:

شهروند آزاد یک کشور قانونمند در کدام حالت و موافق به کدام اوامر قانون بایست گرفتار، تحت نظر، توقیف و یا زندانی گردند؟

در جهان قانونیت و نظام اجتماعی از منظر گد های جزاء به مفهوم عام آن متخلفین احکام قانون و جنایتکاران تا مرحله محکومیت مراحل مختلفی دارند که با رعایت صادقانه آن می توان عدالت قانونی را با عدالت اجتماعی همسو و همراه ساخت همانطوریکه میدانیم قبل از استفاده و استناد به اصل متون قانونی در ابتدای قوانین اجرائی که بازگو کننده طرز اجرائات موضوعات جزائی و مدنی مطرح هستند استفاده به عمل آمده و بعد در صفحاتیکه به متون اصلی قانون نیاز است کار و استناد می شود، بگونه مثال قانون کشف و تحقیق، قانون اجرائات جزائی، قانون اصول محاکمات مدنی که در این راستا از حالات مظنون بودن تا تحت تعقیب سیری قرار داشتن و فراتر از این پروسه گرفتاری در حالت جرایم مشهود، موجودیت نسبی اتهام در میسر گرفتاری با رعایت دقیق اجازه واخذ تجویز آن به عمل می آید، در غیر آن چگونگی گرفتاری بر مبنای ضرورت و اضطرار به تأیید اقدام از طرف محکمه محتاجیم تا قانونیت آن را محکمه تأیید نماید که با طی این مراحل ایجاد پرونده مرحله «تدقیق» در پی می آید و همینگونه در همه ساحات دیگری چون تجارت و منابع دیگر اجتماعی و دنیای مجازی تخنیک ظریفه فعلی و غیره و غیره...

اکنون مطالب اصلی:

ارتکاب کدام عمل موجب گرفتاری و یا تحریک به اقدام عمل می گردد:

مطابق روحیه این نوشته که در ابتدا تذکار یافت ما در مخیله دولت قانونمند را زیر نظر داریم؛ بدین مفهوم می بینیم قانون اساسی قبل از حاکمیت و قدرت حاکم فعلی در ارتباط به عنوان بالا چی حکمی دارد:

ماده بیست و هفتم قانون اساسی:

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده یازدهم و دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب دهم دسمبر ۱۹۴۸) هم همین مطالب را چنین بیان می دارد:

ماده ي ۱۱ -

۱ - هر شخصي که به بز هکاري متهم شده باشد، بي گناه محسوب ميشود تا هنگامي که در جريان محاکمه اي علني که در آن تمام تضمينهاي لازم براي دفاع او تأمين شده باشد، مجرم بودن وي به طور قانوني محرز گردد.

۲ - هيچ کس براي انجام دادن يا انجام ندادن عملي که در موقع ارتکاب آن، به موجب حقوق ملي يا بين المللي جرم شناخته نميشده است، محکوم نخواهد شد. همچنين هيچ مجازاتي شديدتر از مجازاتي که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق ميگرفت، در باره ي کسي اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲ -

نبايد در زندگي خصوصي، امور خانوادگي، اقامتگاه يا مکاتبات هيچ کس مداخله هاي خودسرانه صورت گيرد يا به شرافت و آبرو و شهرت کسي حمله شود. در برابر چنين مداخله ها و حمله هايي، برخورداري از حمايت قانون، حق هر شخصي است.
ادامه دارد:
با حرمت سخی صميم.